:

فصلنامه علمی
مطالعات حقوق بشر اسلامی

تبیین جامعه شناختی رابطه توسعه پایدار و حقوق بشر در بستر اندیشه اسلامی

مهرداد بذرپاش[1] وحید صالحی[2]

۴۰
دوره ۱۵، شماره ۱، پیاپی ۴۰
بهار ۱۴۰۵
مقاله پژوهشی
تاریخ دریافت:
۱۴۰۴-۰۱-۱۵
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۴-۱۰-۰۴
صص: ۲۰-۱
شاپا چاپی: ۲۳۲۲-۵۶۳۷
رتبه علمی
ب
بررسی صحت گواهی در :
JOURNALS.MSRT.IR

چکیده

پژوهش حاضر با رویکردی میان‌رشته‌ای، در پی بررسی رابطه‌ی میان توسعه‌ی پایدار و حقوق بشر اسلامی از منظر جامعه‌شناختی است. توسعه‌ی پایدار، در گفتمان جهانی، مفهومی چندبُعدی است که بر تحقق عدالت بین‌نسلی، رشد اقتصادی مسئولانه و حفظ محیط زیست استوار است. با این حال، در چارچوب معرفتی اسلام، توسعه معنایی فراتر از صرفاً اقتصادی یا زیست‌محیطی دارد و به عنوان فرآیندی برای شکوفایی انسان در رابطه با خداوند، طبیعت و جامعه تعریف می‌شود. از منظر حقوق بشر اسلامی، بنیان توسعه بر کرامت انسان، عدالت اجتماعی و مسئولیت اخلاقی در برابر خلقت استوار است؛ بدین معنا که سعادت فردی و جمعی تنها زمانی محقق می‌شود که آزادی و عدالت در کنار ایمان، اخلاق و تعاون اجتماعی قرار گیرند. این نگرش با نگاه سکولارِ غربی به توسعه تفاوت اساسی دارد؛ زیرا به جای مرکزیت انسانِ منفعت‌گرا، مفهوم «انسانِ متعهد و خلیفهء الهی» را در محور توسعه قرار می‌دهد.

پژوهش حاضر با تحلیل نظری متون دینی و جامعه‌شناختی، نشان می‌دهد که توسعه‌ی پایدار در جوامع اسلامی بدون نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی در سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی ممکن نیست. عدالت اقتصادی، مشارکت اجتماعی، حفظ محیط زیست و احترام به حقوق اقلیت‌ها، همگی از مصادیق بروز حقوق بشر اسلامی در عرصه‌ی توسعه‌اند. همچنین، یافته‌های نظری این مطالعه بیانگر آن است که نگرش اسلامی می‌تواند مقدمه‌ای برای بازتعریف مدل جهانی توسعه بهگون‌های انسانی‌تر، اخلاقی‌تر و فراگیرتر باشد. در نتیجه، حقوق بشر اسلامی نه تنها محدودکننده‌ی توسعه نیست، بلکه ظرفیت نظری و ارزشی برای دستیابی به توسعه پایدارِ معنامحور را در جوامع مسلمان فراهم می‌آورد.

کلیدواژه‌ها:

جامعه‌شناسی، توسعه پایدار، حقوق بشر اسلامی، عدالت اجتماعی، اخلاق زیست‌محیطی

۱. استادیار گروه مدیریت رسانه، دانشکده ارتباطات و رسانه، دانشگاه صدا و سیما، تهران، ایران
۲. مدرس و دانش آموخته دکتری،جامعه شناسی اقتصادی توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار، گرمسار، ایران
mvm@gmail.com (نویسنده مسئول)

مقدمه و بیان مسأله

در عصر حاضر، مفهوم توسعه پایدار به پارادایم مسلط در گفتمان پیشرفت جهانی تبدیل شده است. توسعه‌ای که نیازهای نسل حاضـــر را بدون به خطر انداختن توانایی نســـل‌های آینده در برآوردن نیازهای خود تأمین کند .(Brundtland, 1987) با این حال، علیرغم تدوین چارچوب‌های جهانی مانند اهداف توســـعه پایدار(SDGs) ، جهان همچنان با چالش‌های عمیقی همچون شـــکاف روزافزون طبقاتی، بحران‌های زیست‌محیطی، و از هم‌گسیختگی اجتماعی روبروست. این امر نشان‌دهنده وجود نوعی خلأ معنوی و اخلاقی در مبانی سکولار حاکم بر این گفتمان است. از سوی دیگر، اسلام به عنوان یک نظام فکری جامع، دارای آموزه‌های غنی در حوزه حقوق انسان، جامعه و طبیعت است که می‌تواند منبعی ارزشمند برای غنابخشی و اصلاح پارادیم توسعه فراهم آورد.

توســعه پایدار، مفهومی چندوجهی اســت که از اواخر قرن بیســتم به عنوان پاســخی به بحران‌های زیســت‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی ناشی از مدل‌های توسعه صنعتی و نئولیبرال مطرح شد. این مفهوم، در سند گزارش براوندلند (۱۹۸۷) با عنوان "توسعه‌ای که نیازهای نسل حاضر را بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده در برآوردن نیازهای خود تأمین کند" تعریف شد. علیرغم پذیرش جهانی این مفهوم و تلاش‌های صورت گرفته برای عملیاتی کردن آن از طریق چارچوب‌هایی چون اهداف توسعه پایدار (SDGs)سـازمان ملل، واقعیت‌های میدانی حاکی از آن اسـت که شـکاف عمیقی میان آرمان‌های توسـعه پایدار و اجرای عملی آن وجود دارد. بسیاری از کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه، همچنان با چالش‌های اساسی مانند فقر گسترده، نابرابری فزاینده، تخریب محیط زیست، بحران‌های اجتماعی و سیاسی دست و پنجه نرم می‌کنند.

این ناکارآمدی نسبی در تحقق اهداف توسـعه پایدار، ریشـه در مسـائل بنیادین‌تری دارد. یکی از مهم‌ترین این مسـائل، اتکا به پارادایم‌های توسـعه‌ای اسـت که عمدتاً از جهان غرب نشـأت گرفته و بر پایه‌هایی چون رشـد اقتصـادی بی‌وقفه، مصـرف‌گرایی، فردگرایی افراطی و سکولاریسم بنا شده‌اند. این پارادایم‌ها، اگرچه در پیشرفت‌های تکنولوژیک و صنعتی مؤثر بوده‌اند، اما اغلب فاقد عمق کافی برای پرداختن به ابعاد معنوی، اخلاقی و فرهنگی توسـعه هسـتند. نادیده گرفتن ارزش‌های بنیادین انسـانی، عدالت اجتماعی، همبسـتگی، و ارتباط عمیق انسـان با طبیعت و خالق، منجر به بروز بحران‌های عمیق‌تری شـده اسـت؛ از جمله شـکاف طبقاتی عظیم، استثمار منابع، فروپاشی نظام‌های خانوادگی، و احساس پوچی و بیگانگی در جوامع مدرن.

از سوی دیگر، جهان اسلام با تکیه بر منابع وحیانی و میراث غنی فکری و فرهنگی خود، چارچوبی متفاوت و جامع برای فهم انسان، جامعه و جهان ارائه می‌دهد. حقوق بشر اسلامی، که ریشه در قرآن، سنت پیامبر (ص) و اجماع امت دارد، بر مفاهیم کلیدی چون کرامت ذاتی انسان (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ)، عدالت فراگیر (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ)، مسئولیت‌پذیری انسان به عنوان خلیفه الهی (إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً)، و هدفمندی خلقت و زندگی تأکید دارد. این چارچوب، توسـعه را نه صـرفاً فرآیندی مادی و اقتصادی، بلکه تلاشی همه‌جانبه برای تحقق سعادت مادی و معنوی انسان در دنیا و آخرت تعریف می‌کند. توسعه در این منظر،

فراتر از رشد صرف تولید ناخالص ملی، به دنبال ارتقاء کیفیت زندگی، عدالت اجتماعی، سلامت جامعه، پایداری زیست‌محیطی، و رشد فضایل اخلاقی است.

با وجود این پتانسیل بالقوه، همچنان مطالعات جامعه شناختی اندکی به صورت نظام‌مند به بررسی پیوند میان مبانی حقوق بشر اسلامی و راهکارهای عملی برای دستیابی به توسعه پایدار پرداخته‌اند. شکاف میان غنای نظری حقوق بشر اسلامی و نیاز مبرم جوامع مسلمان به الگویی بومی و متناسب با ارزش‌هایشان برای توسعه، پرسش‌های اساسی را مطرح می‌کند: چگونه می‌توان مبانی جامعه شناختی حقوق بشر اسلامی را استخراج و در فرآیند توسعه پایدار ادغام نمود؟ چه چالش‌ها و فرصت‌هایی در این مسیر وجود دارد؟ چگونه می‌توان از ظرفیت‌های این چارچوب برای غلبه بر محدودیت‌های پارادایم‌های توسعه رایج بهره برد؟

این پژوهش در صدد است تا با نگاهی جامعه شناختی، به این پرسش‌ها پاسخ دهد و چارچوبی نظری و عملی برای توسعه پایدار مبتنی بر حقوق بشر اسلامی ارائه نماید. هدف اصلی، تبیین این موضوع است که حقوق بشر اسلامی، با تأکید بر مفاهیمی چون کرامت، عدالت، مسئولیت، و معنویت، می‌تواند مبنایی غنی و کارآمد برای طراحی و اجرای سیاست‌های توسعه پایدار در جوامع مسلمان فراهم آورد و راه را برای دستیابی به جهانی عادلانه‌تر، پایدارتر و انسانی‌تر هموار سازد.

اهمیت و ضرورت پرداختن به موضوع "مطالعه جامعه شناختی توسعه پایدار از منظر حقوق بشر اسلامی" را می‌توان از ابعاد مختلفی مورد بررسی قرار داد:

۱. پاسخ به چالش‌های رو به رشد توسعه پایدار:

مدل‌های توسعه‌ای که عمدتاً بر رشد اقتصادی و تکنولوژی متمرکز هستند، نتوانسته‌اند راه حل‌های پایدار و جامعی برای بحران‌های جهانی ارائه دهند. فقر، نابرابری، تخریب محیط زیست، شکاف‌های اجتماعی و بحران‌های هویتی، نشان‌دهنده محدودیت‌های پارادایم‌های رایج توسعه هستند. در این میان، نیاز به بازنگری در مبانی نظری و عملی توسعه، و جستجو برای الگوهای جایگزین که بتوانند ابعاد مادی، معنوی، اجتماعی و زیست‌محیطی را به صورت یکپارچه در نظر بگیرند، بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. حقوق بشر اسلامی، با ارائه یک جهان‌بینی جامع و مبتنی بر ارزش‌های انسانی و الهی، پتانسیل بالایی برای ارائه چنین الگوی جایگزینی دارد.

۲. ظرفیت‌سنجی مبانی حقوق بشر اسلامی برای توسعه:

حقوق بشر اسلامی، با تأکید بر کرامت ذاتی انسان، عدالت به عنوان هدف غایی، مسئولیت‌پذیری انسان در قبال خود، جامعه و طبیعت، و هدفمندی خلقت، چارچوبی غنی برای توسعه انسان‌محور و پایدار فراهم می‌کند. این پژوهش با رویکرد جامعه‌شناختی، به دنبال کشف و تبیین این ظرفیت‌هاست تا نشان دهد چگونه مفاهیم بنیادین این مکتب فکری می‌تواند در طراحی و اجرای سیاست‌های توسعه‌ای که هم به نیازهای مادی و هم به ابعاد معنوی و اخلاقی توجه دارند، مؤثر واقع شود.

۳. ارائه الگوی بومی توسعه برای جوامع اسلامی:

بسیاری از جوامع اسلامی در تلاشند تا ضمن بهره‌گیری از دستاوردهای جهانی در حوزه توسعه، الگویی را اتخاذ کنند که با ارزش‌ها، فرهنگ و هویت دینی آن‌ها همسو باشد. پارادایم‌های غربی توسعه، اغلب با چالش پذیرش فرهنگی و تطابق با ساختارهای اجتماعی جوامع اسلامی روبرو هستند. این پژوهش می‌تواند با استخراج مبانی نظری از حقوق بشر اسلامی، به ارائه چارچوبی برای توسعه کمک کند که ضمن بهره‌گیری از اصول جهانی توسعه پایدار، ریشه در معارف دینی و فرهنگی جوامع اسلامی داشته باشد و از این رو، قابلیت پذیرش و اجرای بالاتری را دارا باشد.

۴. ارتقاء درک جامعه‌شناختی از دین و توسعه:

رابطه دین و توسعه، موضوعی پیچیده و چندوجهی است. این پژوهش با تمرکز بر حقوق بشر اسلامی، به دنبال تعمیق درک جامعه شناختی از چگونگی تأثیرگذاری ارزش‌ها و هنجارهای دینی بر فرآیندهای توسعه اجتماعی است. بررسی جامعه شناختی حقوق بشر اسلامی، می‌تواند به روشن شدن نقش دین به عنوان یک عامل هویت‌بخش، انسجام‌بخش و بسیج‌کننده در فرآیندهای توسعه کمک کند.

۵. جهت‌دهی به تحقیقات آتی و سیاست‌گذاری‌ها:

یافته‌های این پژوهش می‌تواند مبنایی برای تحقیقات آتی در حوزه‌های جامعه‌شناسی دین، جامعه‌شناسی توسعه، مطالعات اسلامی و حقوق بشر باشد. همچنین، این مطالعه می‌تواند راهنمایی برای سیاست‌گذاران در کشورهای اسلامی باشد تا با در نظر گرفتن مبانی حقوق بشر اسلامی، سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه پایدار مؤثرتر و انسانی‌تری را تدوین و اجرا نمایند.

در مجموع، این پژوهش از آن رو اهمیت دارد که تلاش می‌کند پلی میان مفاهیم نظری حقوق بشر اسلامی و الزامات عملی توسعه پایدار بزند و با رویکردی جامعه‌شناختی، به ارائه چارچوبی جامع و بومی برای تحقق توسعه‌ای همه‌جانبه و انسانی در جوامع امروز، به ویژه جوامع اسلامی، یاری رساند.

بیان ضرورت تلفیق دیدگاه‌های اسلامی–حقوق بشری با چارچوب‌های توسعه؛

بسیاری از نظریه‌های رایج توسعه، ریشه در انسان‌شناسی و جهان‌بینی خاص غربی داشته و غالباً بر محوریت رشد اقتصادی و تکنولوژیک متمرکز هستند، در حالی که ابعاد معنوی، اخلاقی و فرهنگی را به حاشیه می‌رانند. حقوق بشر اسلامی، با تأکید بر کرامت ذاتی انسان (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ)، عدالت به عنوان آرمانی اجتماعی (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ)، و مسئولیت انسان در قبال طبیعت، می‌تواند مبنایی مستحکم برای توسعه‌ای ارائه دهد که نه تنها پایدار، بلکه "متوازن" و "عادلانه" است. بنابراین، تلفیق این دو حوزه نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت برای ارائه الگویی بومی و کارآمد در جوامع اسلامی و نیز مشارکت در گفت‌وگوی جهانی است.

مرور مختصر ادبیات و معرفی شکاف تحقیقاتی؛

در حوزه توسعه پایدار و اسلام، تحقیقات قابل توجهی انجام شده است. برخی بر وجوه زیست‌محیطی (حفاظت از محیط زیست به عنوان یک فریضه) تمرکز کرده‌اند (e.g., Izzi Dien, 2000; Al-Jayyousi, 2012). برخی دیگر به اقتصاد اسلامی و نسبت آن با توسعه پرداخته‌اند (e.g., Chapra, 2008). همچنین، مطالعاتی در باب "حقوق بشر اسلامی" به صورت مستقل وجود دارد (e.g., Baderin, 2003). اما شکاف تحقیقاتی اصلی، در تلقی جامعه شناختیِ یکپارچه از این مفاهیم است. کمتر پژوهشی، حقوق بشر اسلامی را به مثابه یک چارچوب جامعه‌شناختی کل‌نگر تحلیل کرده که می‌تواند هم مبنا و هم مسیر توسعه پایدار را در سه بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی توضیح دهد و تبیین کند. این مقاله در صدد پر کردن این خلأ است.

اهداف و سؤالات اصلی پژوهش

- **هدف کلی :** تبیین جایگاه حقوق بشر اسلامی به عنوان مبنا و چارچوبی جامعه‌شناختی برای توسعه پایدار.
- **اهداف ویژه:**

۱. تحلیل مفاهیم محوری توسعه پایدار و حقوق بشر اسلامی.

۲. بررسی نسبت میان اصول حقوق بشر اسلامی با ابعاد سه‌گانه توسعه پایدار از منظر جامعه‌شناختی.

۳. مقایسه تطبیقی این رویکرد با پارادایم‌های سکولار توسعه.

۴. ارائه یک مدل مفهومی یکپارچه.

- **سؤالات پژوهش:**

۱. مبانی نظری و مفاهیم کلیدی توسعه پایدار و حقوق بشر اسلامی چیست؟

۲. چگونه اصول حقوق بشر اسلامی (مانند عدالت، امانتداری، کرامت) می‌تواند مبنای جامعه‌شناختی برای ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی توسعه پایدار قرار گیرد؟

۳. نقاط اشتراک و افتراق رویکرد اسلامی با رویکردهای سکولار) مانند (SDGs)در چیست؟

۴. مدل مفهومی حاصل از این تلفیق چگونه می‌تواند تصویر شود؟

مروری بر تحقیقات پیشین در حوزه توسعه پایدار و حقوق بشر اسلامی

این بخش به برر سی و د سته‌بندی پژوهش‌های مرتبط با مو ضوع مورد نظر در دو حوزه داخلی (ایران) و خارجی (بین‌المللی) می‌پردازد تا شکاف‌های موجود در تحقیقات پیشین مشخص و جایگاه این پژوهش تبیین گردد.

- **پیشینه پژوهش‌های خارجی (بین‌المللی)**

پژوهش‌های بین‌المللی در حوزه توسـعه پایدار عمدتاً بر محورهای اقتصـادی، محیط زیسـتی و حکمرانی متمرکز بوده‌اند و پیوند مسـتقیم با چارچوب‌های دینی کمتر مورد توجه قرار گرفته اسـت. با این حال، برخی از مطالعات در حوزه‌های مرتبط قابل دسته‌بندی هستند:

الف) توسعه پایدار و اخلاق:

بسـیاری از پژوهش‌ها بر لزوم ادغام اخلاق در توسـعه پایدار تأکید کرده‌اند. برای مثال، مطالعاتی که در دهه ۲۰۰۰ میلادی بر محوریت «اخلاق زیسـت‌محیطی» (Environmental Ethics) و نقش آن در پایداری منابع انجام شـد، هرچند به طور مسـتقیم به حقوق بشـر اسـلامی نپرداخته‌اند، اما بر لزوم وجود یک چارچوب ارزشـی فراتر از منافع کوتاه‌مدت اقتصـادی تأکید کرده‌اند. پژوهش‌هایی که بر مبنای اخلاق کانتی یا فضـیلت‌محور (Virtue Ethics) به تحلیل توسـعه پرداخته‌اند، بسـتری نظری برای طرح مباحث اخلاقی فراهم ساخته‌اند.

ب) حقوق بشر و توسعه:

رابطه حقوق بشـر و توسـعه یک حوزه پرکاربرد اسـت. پژوهش‌هایی مانند مطالعات «آمارتیا سِـن» (Amartya Sen)بر مفهوم «توسعه به مثابه آزادی» (Development as Freedom) تأکید دارند که بر اهمیت توانمندسازی، عدالت و حقوق بنیادین انسان‌ها در فرآیند توسـعه تأکید دارد. این دیدگاه‌ها از منظر ارزش‌گذاری بر توانایی‌های انسـانی با مفاهیم حقوقی اسـلامی در زمینه کرامت انسانی همپوشانی‌هایی دارد، اما مبانی متافیزیکی و معرفت‌شناختی آن‌ها متفاوت است؛ رویکردهای غربی اغلب سکولار هستند، در حالی که این پژوهش بر مبنای حقوق الهی بنا شده است.

ج) مطالعات تطبیقی دینی و توسعه:

تعداد محدودی از پژوهش‌ها به بررسـی تطبیقی چارچوب‌های دینی و توسـعه پایدار پرداخته‌اند. این مطالعات معمولاً بر تعالیم بودایی، مسیحی یا یهودی در قبال محیط زیست و عدالت اجتماعی تمرکز داشته‌اند. در مورد اسلام، اغلب تمرکز بر مباحث «اخلاق کسب‌وکار اسلامی» یا «اقتصاد اسلامی» بوده و کمتر به جنبه جامعه‌شناختی حقوق بشر به عنوان یک پارادایم توسعه‌ای پرداخته شده است. این امر، خلأ اصلی پژوهش حاضر را نشان می‌دهد: فقدان یک چارچوب جامعه‌شناختی منسجم که حقوق بشر اسلامی را به عنوان یک مبنای پارادایمی برای توسعه پایدار در نظر بگیرد.

- **پیشینه پژوهش‌های داخلی (ایران)**

در ایران، مطالعات پیرامون تو سعه و ا سلام یا حقوق بشر ا سلامی به صورت مجزا یا با تمرکز بر ابعاد خا صی صورت گرفته است:

الف) مطالعات فقهی و حقوقی حقوق بشر اسلامی:

بخش عمده‌ای از پژوهش‌های داخلی بر تبیین مبانی نظری و استخراج مواد حقوقی از منابع اسلامی (فقهی و کلامی) در حوزه حقوق بشر متمرکز بوده‌اند. این پژوهش‌ها ماهیتی بنیادین دارند و به صورت تطبیقی به مقایسه حقوق اسلامی با اعلامیه جهانی حقوق بشر پرداخته‌اند. اگرچه این مطالعات برای تدوین مبانی نظری این پژوهش حیاتی هستند، اما فاقد تحلیل جامعه شناختی و پیوند مستقیم با فرآیند توسعه پایدار هستند.

ب) مطالعات توسعه پایدار در ایران:

پژوهش‌های متعددی در ایران به بررسی چالش‌های توسعه پایدار در ایران، با محوریت محیط زیست، برنامه‌ریزی شهری، و اقتصاد پرداخته‌اند. این مطالعات معمولاً از منظر مدیریتی، فنی یا اقتصادی به این موضوع نگریسته‌اند و کمتر به بنیادهای فلسفی و ارزشی توسعه توجه کرده‌اند، مگر آنکه به طور غیرمستقیم به لزوم اصلاح ارزش‌ها اشاره کرده باشند.

ج) تلفیق اسلام و توسعه:

تعدادی از پژوهش‌ها سعی در ارائه الگوی توسعه اسلامی داشته‌اند. این مطالعات معمولاً بر مفهوم «توسعه اقتصادی اسلامی» تمرکز کرده‌اند و تلاش نموده‌اند تا اصول اقتصاد اسلامی (مانند حرمت ربا، عدالت توزیعی) را در چارچوب توسعه پیاده سازی کنند. با این حال، این دیدگاه‌ها غالباً به بعد اقتصادی و تا حدی بعد اجتماعی محدود شده و کمتر به ظرفیت‌های جامعه‌شناختی «حقوق بشر اسلامی» به عنوان یک چارچوب جامع برای پایداری در تمامی ابعاد (اجتماعی، فرهنگی، محیطی و اقتصادی) پرداخته‌اند.

- **شکاف پژوهشی**

بررسی پیشینه‌ها نشان می‌دهد که:

۱. پژوهش‌های خارجی بیشتر بر اخلاق عمومی یا توسعه سکولار متمرکز هستند و تحلیل جامعی از حقوق بشر اسلامی ارائه نداده‌اند.

۲. پژوهش‌های داخلی عمدتاً در دو حوزه مجزا (حقوق بشر اسلامی یا توسعه پایدار) عمل کرده‌اند.

۳. **شکاف اصلی:** فقدان یک مطالعه جامعه شناختی نظام‌مند که به طور مستقیم، مبانی جامعه شناختی حقوق بشر اسلامی را استخراج نموده و ظرفیت آن را به عنوان یک پارادایم جامع برای دستیابی به توسعه پایدار (فراتر از بُعد صرفاً اقتصادی) مورد تحلیل قرار دهد، احساس می‌شود. این پژوهش قصد دارد این شکاف را با تمرکز بر ابعاد جامعه‌شناختی و ارتباط آن با پایداری، پر نماید.

مبانی نظری پژوهش

✓ **مفهوم توسعه پایدار**

توسعه پایدار به توسعه‌ای اطلاق می شود که نیازهای حال حاضر را بدون مخاطره انداختن توانایی نسل‌های آینده در برآوردن نیازهای خودشان برآورده سازد .(Brundtland, 1987) این مفهوم دارای سه بُعد به هم‌پیوسته است:

- ✓ **بعد اقتصادی :**تأکید بر رشد اقتصادی عادلانه، تولید ثروت و رفع فقر برای همه.
- ✓ **بعد اجتماعی :**تأمین رفاه انسان‌ها، عدالت توزیعی، برابری فرصت‌ها، حفظ سرمایه اجتماعی و هویت فرهنگی.
- ✓ **بعد زیست‌محیطی :**حفظ سلامت اکوسیستم‌ها، مدیریت بهینه منابع طبیعی و مقابله با تغییرات اقلیمی. چالش اصلی، ایجاد تعادل پویا بین این سه رکن است، امری که در عمل با سلطه گفتمان اقتصادی و منافع کوتاه‌مدت با مشکل مواجه شده است.

✓ **مفهوم حقوق بشر در اسلام؛**

حقوق بشر در اسلام، ریشه در متن مقدس قرآن و سنت پیامبر(ص) دارد و بر مبنای یک جهان‌بینی توحیدی استوار است. برخی اصول محوری آن عبارتند از:

- ✓ **کرامت ذاتی انسان (کرامت) :**قرآن صراحتاً به تکریم نوع انسانی اشاره دارد: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰). این کرامت، مبنای تمام حقوق و مسئولیت‌های بعدی است.
- ✓ **عدالت (عدل و قسط) :**عدالت محوری‌ترین اصل اجتماعی در اسلام است که در تمامی عرصه‌های قضایی، اقتصادی و سیاسی جاری است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل: ۹۰).
- ✓ **مسئولیت (تکلیف) :**در مقابل هر حقی، تکلیفی قرار دارد. انسان در نظام اسلامی، تنها دارنده حق نیست، بلکه "خلیفه الله" و "امین" است و در برابر خدا، خود، دیگران و طبیعت مسئول می‌باشد.
- ✓ **تساوی در اصل آفرینش و تفاوت بر اساس تقوا :**همه انسان‌ها در اصل انسانیت و حقوق بنیادین برابرند و امتیاز فقط بر اساس تقوا و عمل صالح است: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳).

۲،۳ .مبانی جامعه‌شناسی توسعه

- ❖ **نظریه نو سازی :**توسعه را فرآیندی خطی و یک‌سویه از جامعه سنتی به مدرن می‌داند و بر نقش ارزش‌ها و نهادهای غربی تأکید دارد .(Rostow, 1960) این نظریه به دلیل غرب‌محوری، نادیده گرفتن ساختارهای ناعادلانه جهانی و تقلیل توسعه به امری صرفاً اقتصادی مورد نقد قرار گرفته است.
- ❖ **نظریه وابستگی :**توسعه نیافتگی کشورهای پیرامونی را نتیجه استثمار و وابستگی ساختاری به مراکز سرمایه‌داری جهانی می‌داند .(Frank, 1966) اگرچه نابرابری جهانی را برجسته می‌کند، اما راه‌حل روشنی ارائه نمی‌دهد و گاه به جبرگرایی اقتصادی می‌گراید.

❖ **نظریه‌های پ سا ستعماری :**بر نقش گفتمان، قدرت و دانش در ساخت مفهوم "توسعه" تأکید دارند و آن را ابزار ادامه سلطه غرب می‌دانند .(Escobar, 1995) این دیدگاه برای درک انتقادی از گفتمان مسلط توسعه ضروری است.

چارچوب این مقاله، با پذیرش نقدهای وارده بر این نظریه‌ها، در پی ارائه بدیلی ا ست که بر مبنای **حقوق بشر ا سلامی** ا ستوار بوده و هم بر عدالت درون‌جامعه‌ای و بین‌المللی تأکید دارد و هم بعد اخلاقی-معنوی توسعه را مد نظر قرار می‌دهد.

۱. تأکید بر بعد اجتماعی (عدالت و همبستگی)؛

عدالت، ستون فقرات توسعه اجتماعی پایدار از منظر اسلام است. حقوق بشر اسلامی با سازوکارهای مشخصی به تحقق این بعد کمک می‌کند:

✓ **رفع فقر و تضمین معیشت :**حق برخورداری از حداقل معیشت (تأمین غذا، مسکن، سلامت) برای همه، یک تکلیف اجتماعی و دولتی است. مفاهیمی چون "زکات" (به عنوان حق فقرا در اموال اغنیا)، "انفاق"، و "قرض الحسنه" نهادهایی جامعه شناختی برای توزیع مجدد ثروت و کاهش فقر ه ستند. پیامبر(ص) فرمود: «هر که سیر بخوابد و هم سایه‌اش گر سنه باشد، به من ایمان نیاورده است». این نگرش، توسعه را از انباشت ثروت در دست عده‌ای معدود به سمت رفاه عمومی سوق می‌دهد.

✓ **برابری و عدم تبعیض :**برابری ذاتی ان سان‌ها نافی هرگونه تبعیض نژادی، قومی یا طبقاتی ا ست. جامعه‌ای که مبتنی بر این اصل باشد، از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردار بوده و زمینه مشارکت تمام اعضا در فرآیند توسعه فراهم می‌شود.

✓ **حقوق خانواده و انسجام اجتماعی :**تأکید بر استحکام نهاد خانواده به عنوان واحد بنیادین جامعه، حمایت از کودکان، و احترام به والدین، همگی در تقویت شبکه‌های حمایتی غیررسمی و انسجام اجتماعی مؤثرند که خود از پیش‌شرط‌های پایداری است.

۲. تأکید بر بعد زیست‌محیطی (خلافت و امانت‌داری)

در نگاه اسلامی، طبیعت "آیه" و "نشانی" از خداوند است و انسان نه مالک مطلق، بلکه "خلیفه" (جانشین) و "امین" (امانت‌دار) در زمین است: «إِنِّی جَاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیفَةً» (بقره: ۳۰). این مبنا پیامدهای جامعه‌شناختی عمیقی دارد:

✓ **مسئولیت‌پذیری اخلاقی :**رابطه انسان با محیط، رابطه‌ای مبتنی بر بهره‌کشی بی‌حد نیست، بلکه رابطه‌ای اخلاقی و مسئولانه است. «هرکس درختی بکارد یا نهالی بنشاند و پرنده یا انسانی یا چهارپایی از آن بخورد، آن برای او صدقه محسوب می‌شود» (حدیث).

✓ **ممنوعیت ا سراف و تبذیر :**قرآن به صراحت ا سراف‌کاران را "برادران شیاطین" می‌خواند (ا سراء: ۲۷). این ا صل، الگوی مصرف جامعه مدرن را که پایه‌اش بر بیش‌مصرفی است، به چالش می‌کشد و الگویی از قناعت و میانه‌روی را ترویج می‌دهد.

- ✓ **حقوق حیوانات و حفظ تنوع زیســـتی :**روایات متعددی درباره رعایت حال حیوانات و حفظ حیات آنان وجود دارد. این نگاه، حفاظت از تنوع زیستی را به یک تکلیف دینی تبدیل می‌کند.

۳. تأکید بر بعد اقتصادی (اقتصاد اخلاقی)؛

حقوق بشر ا سلامی، نظام اقتصادی را در خدمت تحقق عدالت و کرامت انسان می‌داند و از این رو، هم سرمایهداری لیبرال و هم سوسیالیسم ماتریالیستی را ناقص می‌داند.

- ❖ **نقد سرمایه داری :**تمرکز سرمایهداری بر حداکثرسازی سود و انباشت سرمایه، منجر به نابرابری شدید، استثمار نیروی کار، و مصرفگرایی ویرانگر محیط زیست می‌شود. اسلام با تحریم "ربا" (بهره)، که انباشت ثروت بدون تلاش و خطرپذیری را ممکن می سازد، به این نظام حمله می‌برد. ربا موجب تمرکز ثروت و ایجاد شکاف طبقاتی پایدار می شود (P_t = P_0 (1+r)^t) که در آن (P_t) ثروت نهایی، (P_0) سرمایه اولیه، (r)نرخ بهره و (t) زمان ا ست، نشان‌دهنده ر شد نمایی ثروت در د ست وام‌دهنده است.
- ❖ **نقد کمونیـ ستی :**اگرچه عدالت خواهی آن را می‌ستاید، اما نفی کامل مالکیت خصـوصـی (در حد معقول) را نقض کرامت و آزادی انسان می‌داند. اسلام مالکیت خصوصی را به رسمیت می‌شناسد، اما آن را مشروط و مسئولیت‌آور می‌کند.
- ❖ **الگوی اقتصادی اسلامی :**بر پایه‌های زیر استوار است:

- ✓ **تضمین معیشت برای همه (کفایت) :**دولت موظف به ایجاد شرایطی است که هر فرد بتواند از طریق کار شرافتمندانه، نیازهای خود را برآورده کند.
- ✓ **توزیع عادلانه ثروت :**از طریق زکات (که یک حق مالیاتی مشـخص اسـت)، خمس، انفاق، ارث (که موجب پراکندگی ثروت می‌شود) و منع احتکار.
- ✓ **اخلاق در تولید و تجارت :**رعایت انصاف، تحریم غش، کم‌فروشی، و احتکار. پیامبر(ص) فرمود: «التاجر الصدوق الأمین مع النبیین والصدیقین والشهداء».
- ✓ **مشارکت و خطرپذیری عادلانه :**قراردادهایی مانند مضاربه و مشارکت، که سود و زیان را بین سرمایه و کار تقسیم می‌کند، الگویی جایگزین برای رابطه کارگر–سرمایه‌دار ارائه می‌دهد.

مقایسه با اهداف توسعه پایدار سازمان مل(SDGs)

اهداف (SDGs) مانند رفع فقر، گرسـنگی صـفر، سـلامت، برابری جنسـیتی، اقدام اقلیمی) از لحاظ محتوایی، نقاط تلاقی قابل توجهی با دغدغه‌های حقوق بشـــر اســـلامی دارند. هر دو بر رفع فقر، عدالت، آموزش، ســـلامت و حفاظت از کره زمین تأکید می‌ورزند. این نقاط مشـــترک، زمینه‌ای برای همکاری و گفت‌وگوی بین‌المللی فراهم می‌آورد. با این حال، تفاوت‌های پارادایمی عمیقی وجود دارد:

۱. **مبانی فلسفی SDGs :**بر مبنای اعلامیه جهانی حقوق بشر (با خاستگاه سکولار–اومانیستی) و عقلانیت ابزاری استوار است. حقوق بشر اسلامی، مبانی خود را از وحی و مفهوم "خلافت" می‌گیرد و توسعه را عبادتی در مسیر قرب الهی می‌داند.

۲. **منبع الزام‌آوری :**الزام به SDGs بیشتر سیاسی–حقوقی و ناشی از تعهدات بین‌الدولی است. در حالی که الزام به اصول اسلامی، علاوه بر جنبه قانونی، ریشه در باور دینی و مسئولیت در برابر خدا دارد که انگیزه‌ای درونی و قوی‌تر ایجاد می‌کند.

۳. **جامعیت و اولویت SDGs :**مجموعه‌ای از ۱۷ هدف به نسبت مجزا است. رویکرد اسلامی با محوریت "عدالت" و "توحید"، وحدت و پیوند درونی این ابعاد را برجسته می سازد. همچنین، در اسلام، مسائل اخلاقی مرتبط با خانواده و سبک زندگی که در SDGs کمرنگ‌تر است جایگاه محوری دارند.

۴. **نگاه به طبیعت :**درSDGs ، طبیعت عموماً به عنوان "منبع" و " سرمایه" برای انسان دیده می شود (سرمایه طبیعی). در نگاه اسلامی، طبیعت علاوه بر منبع، "آیه" و امانت الهی است که برای آن حق قائل است.

مدل مفهومی پژوهش

۴.۱ .حل معضلات پایداری از طریق چارچوب اسلامی

- **مقابله با نابرابری :**سازوکارهای توزیعی اسلام (زکات، ارث، منع ربا) نه تنها به توزیع مجدد درآمد می‌پردازد، بلکه با هدف پیشگیری از تمرکز اولیه ثروت عمل می‌کنند. این یک نهاد جامعه‌شناختی پایدار برای کاهش شکاف طبقاتی است.
- **مقابله با تخریب محیط زیست :**مفهوم "امانت‌داری" رابطه انسان با طبیعت را از یک رابطه مبتنی بر "حق" (حق بهره‌برداری) به یک رابطه مبتنی بر "تکلیف" تبدیل می‌کند. این تغییر نگرش، بنیانی فرهنگی–ارزشی برای قوانین حفاظت از محیط زیست ایجاد می‌کند که فراتر از مجازات‌های قانونی است.
- **تقویت سرمایه اجتماعی :**تأکید بر صداقت، امانت‌داری، وفای به عهد و همبستگی اجتماعی (تعاونوا علی البر والتقوی) موجب کاهش هزینه‌های مبادله، افزایش اعتماد اجتماعی و ایجاد شبکه‌های حمایتی می‌شود که همه از عوامل کلیدی در تاب‌آوری و پایداری جامعه هستند.

۴.۲ .ارائه مدل مفهومی؛

مدل مفهومی پیشنهادی این پژوهش که از تحلیل محتوای فوق استخراج شده است، به صورت زیر قابل ترسیم است:

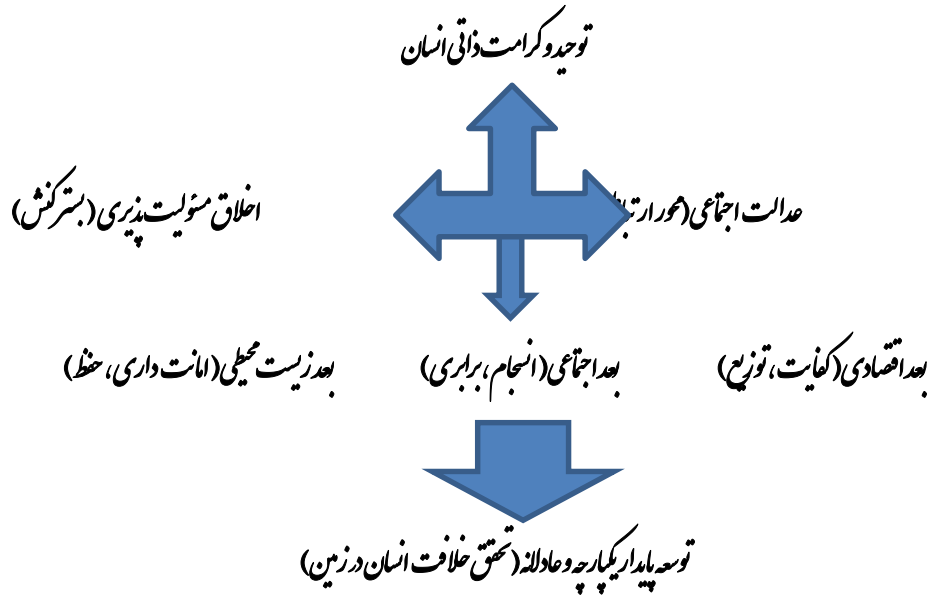

تبیین مدل :در رأس این مدل، مبانی فرامادی **توحید** و **کرامت انسانی** قرار دارد که به توسعه غایت و معنای متعالی می‌بخشد. در سطح میانی، **عدالت اجتماعی** به عنوان محور اصلی، سه بعد توسعه را به هم پیوند می‌زند و **اخلاق مسئولیت‌پذیری** (نسبت به خدا، خود، دیگران و طبیعت) بستر کنشی لازم برای تحقق عدالت در هر سه بعد را فراهم می‌کند. تعامل پویای این ابعاد در چارچوب اصول فوق، منجر به تحقق **توسعه پایدار یکپارچه و عادلانه** می‌شود که در حقیقت، تحقق عینی مفهوم **"خلافت"** انسان بر زمین است.

این پژوهش نشان داد که حقوق بشر اسلامی با تکیه بر اصولی چون کرامت ذاتی، عدالت، مسئولیت و امانتداری، ظرفیت آن را دارد که به عنوان یک چارچوب جامعه‌شناختی قدرتمند و کل‌نگر برای توسعه پایدار عمل کند. در پاسخ به سؤالات پژوهش:

۱. مفاهیم کلیدی توسعه پایدار (اقتصاد، جامعه، محیط‌زیست) در اسلام ذیل مفاهیم جامع‌تری مانند عدالت، خلافت و امانتداری معنادار می‌شوند.

۲. اصول حقوق بشر اسلامی با ارائه سازوکارهای مشخص (مانند زکات، منع ربا، اصل امر به معروف در حفظ محیط‌زیست)، مبنایی عینی و ارزشی برای تحقق پایداری در هر سه بعد فراهم می‌آورند.

۳. رویکرد اسلامی با رویکردهای سکولار در سطح **اهداف عملیاتی** اشتراکات زیادی دارد، اما در سطح **مبانی فلسفی، منبع الزام و نگاه به جهان** با آنها تفاوت‌های پارادایمی عمیقی دارد.

۴. مدل مفهومی ارائه‌شده، نشان می‌دهد که چگونه این اصول می‌تواند به صورت یک نظام به هم‌پیوسته، توسعه را جهت‌دهی کند.

جمع‌بندی یافته‌ها

این پژوهش با هدف تبیین و تحلیل جامعه‌شناختی ظرفیت‌های **حقوق بشر اسلامی** به عنوان مبنایی برای **توسعه پایدار**، به بررسی شکاف میان مدل‌های رایج توسعه و الزامات اخلاقی-اجتماعی جوامع کنونی پرداخت و نشان داد که چگونه یک چارچوب ارزشی مبتنی بر وحی می‌تواند به توسعه‌ای جامع‌تر و پایدارتر منجر شود.

یافته‌های کلیدی پژوهش عبارتند از:

۱. **نقد بنیادین پارادایم رایج:** مدل‌های توسعه رایج، که عمدتاً بر رشد اقتصادی، مصرف‌گرایی و رویکردهای سکولار بنا شده‌اند، در برآورده سازی نیازهای بنیادین انسانی و حفظ پایداری زیست‌محیطی ناکام مانده‌اند و منجر به بروز بحران‌های عمیق اخلاقی، اجتماعی و زیست‌محیطی شده‌اند.

۲. **حقوق بشر اسلامی به مثابه پارادایم توسعه:** حقوق بشر اسلامی، با تأکید بر **کرامت ذاتی انسان** (به عنوان خلیفه الهی)، **عدالت جامع** (فراگیر در ابعاد فردی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی) و **مسئولیت‌پذیری متقابل**، یک چارچوب نظری قدرتمند برای توسعه پایدار ارائه می‌دهد. توسعه در این منظر، فرآیند تحقق هدفمندانه کرامت انسانی در تمامی ابعاد زندگی است.

۳. **مؤلفه‌های جامعه‌شناختی کلیدی:** از منظر جامعه‌شناختی، مفاهیمی چون **عدالت توزیعی اسلامی**، **مسئولیت‌پذیری در قبال منابع** (به عنوان امانت الهی)، و **همبستگی اجتماعی مبتنی بر برادری ایمانی**، می‌توانند به عنوان موتورهای اجتماعی تحقق پایداری عمل کنند و شکاف‌های ناشی از فردگرایی افراطی را پر نمایند.

۴. **ظرفیت بومی‌سازی توسعه:** حقوق بشر اسلامی چارچوبی را فراهم می‌کند که جوامع اسلامی می‌توانند با تکیه بر آن، توسعه‌ای را محقق سازند که هم از نظر کارآمدی با الزامات جهانی همخوانی داشته باشد و هم از نظر ارزش‌ها و هویت فرهنگی، اصالت خود را حفظ نماید.

مدل مفهومی توسعه پایدار مبتنی بر حقوق بشر اسلامی :Synthesis Model

بر اساس تحلیل‌های ارائه شده، می‌توان یک مدل مفهومی برای توسعه پایدار مبتنی بر حقوق بشر اسلامی پیشنهاد نمود که ساختار آن بر سه ستون اصلی استوار است:

توسعه پایدار f=(SD) (کرامت انسانی×عدالت جامع×مسئولیت‌پذیری)

- **کرامت انسانی :**(Human Dignity)به عنوان هدف نهایی، توسعه باید در جهت ارتقاء ارزش و منزلت انسان در ابعاد مادی (تأمین نیازها)، معنوی (رشد اخلاقی) و اجتماعی (حفظ حقوق اساسی) باشد.

- **عدالت جامع :**(Comprehensive Justice) این مفهوم شـامل عدالت اقتصـادی (توزیع عادلانه ثروت)، عدالت اجتماعی (رفع تبعیض)، عدالت زیست‌محیطی (حفاظت از منابع برای نسل‌های آینده) و عدالت حکمرانی (مشارکت و پاسخگویی) است.
- **م سئولیت‌پذیری :**(Stewardship/Accountability) این عامل، هم شامل م سئولیت فرد در قبال جامعه و طبیعت ا ست (مفهوم خلافت)، و هم مسئولیت نهادها و حکومت‌ها در قبال رعایت اصول حقوق بشری و پایداری.

جمع‌بندی نهایی:

این پژوهش نشان داد که حقوق بشر ا سلامی نه تنها با ا صول تو سعه پایدار تعارض ندارد، بلکه می‌تواند به عنوان یک مبنای فکری غنی‌تر، عمیق‌تر و از منظر جامعه‌شناختی، دارای قدرت بسیج و انسجام‌بخش بیشتری برای تحقق تو سعه‌ای با شد که در آن، ان سان محور ا صلی و هدف غایی ا ست و پایداری در تمام ابعاد، نتیجه منطقی این رویکرد خواهد بود. برای تحقق این امر، نیاز به مطالعات آینده‌نگر بیشتری در زمینه عملیاتی‌سازی شاخص‌های جامعه‌شناختی مبتنی بر این چارچوب است.

در این پژوهش با برر سی عمیق بنیادهای جامعه شناختی و ارزش‌مدار حقوق بشر ا سلامی، نشان داد که تو سعه پایدار، فراتر از یک دستورالعمل فنی یا اقتصادی، نیازمند یک **تحول هستی‌شناختی و اخلاقی** در نحوه تعامل انسان با خود، جامعه و طبیعت است. مدل‌های توسـعه سـکولار، با نادیده گرفتن بُعد متعالی وجود انسـان و جایگاه او به عنوان خلیفه الهی، به‌طور ذاتی در ایجاد تعادل پایدار شکست خورده‌اند.

پیامدهای اصلی این تحقیق عبارتند از:

- **بازتعریف مفهوم تو سعه:** توسـعه دیگر نباید مترادف با رشـد تولید ناخالص داخلی (GDP) یا مصـرف‌گرایی بی‌پایان باشـد. در چارچوب اسـلامی، توسـعه، **فرآیند تکاملی تحقق کرامت انسـانی** در تمامی ابعاد مادی و معنوی اسـت؛ فرایندی که در آن، حفظ منابع برای نسـل‌های آتی (اصـل اسـتخلاف) نه یک محدودیت، بلکه یک **مأموریت محوری** تلقی می‌شود.
- **قدرت بسیج‌کنندگی اجتماعی:** حقوق بشر اسلامی ظرفیت نهادینه‌سازی ارزش‌هایی مانند **همبستگی (تکافل)**، **قناعت** و **مسئولیت‌پذیری متقابل** را داراست که می‌تواند به‌عنوان نیروی محرک درونی (Internal Driver) ، شکاف‌های ناشی از نارسایی‌های حکمرانی را پر کند و مشارکت عمومی را در پروژه‌های پایداری افزایش دهد.
- **فراهم‌سازی الگوی بومی معتبر:** در مواجهه با چالش‌های جهانی، این چارچوب، الگویی را ارائه می‌دهد که **بومی و در عین حال جهانی** است. این مدل اجازه می‌دهد تا جوامع اسلامی، با بهره‌گیری از منابع غنی فکری خود، در عین استفاده

از دستاوردهای علمی جهان، از وابستگی صرف به الگوهای توسعه وارداتی و از دست رفتن هویت فرهنگی متمایز خود جلوگیری کنند.

در نهایت، پژوهش حاضر تأکید می‌کند که موفقیت در دستیابی به توسعه پایدار در جوامع اسلامی، منوط به عبور از رویکردهای منفعلانه و پذیرش **حقوق بشر اسلامی به‌عنوان یک نظریه جامع اجتماعی و راهبردی توسعه** است. این امر مستلزم بازنگری در ادبیات جامعه‌شناسی توسعه، بازتعریف شاخص‌های موفقیت ملی، و نهادینه‌سازی عدالت به‌مثابه شالوده هرگونه تلاش برای پایداری است.

استقرار پارادایم توسعه مبتنی بر کرامت

این پژوهش به منزله یک **مطالعه انتقادی-توصیفی** نشان داد که چالش اصلی در مسیر تحقق توسعه پایدار، نه کمبود منابع یا فناوری، بلکه **بحران مشروعیت پارادایمی** حاکم بر جوامع جهانی و نخبگانی است. مدل توسعه غربی، که ریشه در اومانیسم رو شنگری و عقلانیت ابزاری پوزیتیویستی دارد، ذاتاً دچار تناقض است: از سویی بر کرامت انسان تأکید می‌کند و از سوی دیگر، ساختارهایی (مانند نظام مالی مبتنی بر ربا، یا اولویت مالکیت خصوصی بر حقوق همگانی) را تقویت می‌کند که مستقیماً کرامت انسان‌ها و تعادل زیست‌بوم را نابود می‌سازد.

۵. نقد ریشه‌ای الگوی حاکم از منظر جامعه‌شناسی اسلامی:

تحلیل جامعه‌شناختی نشان می‌دهد که پایداری واقعی یک جامعه مستلزم **انسجام ارزشی** است. جایی که ارزش بنیادین، «تراکم ثروت و قدرت فردی» باشد (همان‌طور که در سرمایه‌داری مدرن است)، هرگونه تلاش برای مهار مصرف‌گرایی (به‌عنوان مثال، در حوزه محیط زیست) محکوم به شکست است، زیرا این مصرف‌گرایی نه یک عارضه جانبی، بلکه **کارکرد اصلی** آن سیستم است.

حقوق بشر اسلامی این پارادایم را با جایگزین ساختن «**عبودیت و خلافت**» به جای «**خودمختاری مطلق فردی**» به چالش می‌کشد. در این چارچوب، آزادی انسان از قید اسارت ماده و منفعت‌طلبی شخصی آزاد می شود تا بتواند در مسیر مسئولیت‌های الهی خود (احسان به خلق و امانت‌داری نسبت به زمین) قرار گیرد. این تغییر در بنیان‌های ارزشی، اساس **تغییر ساختارهای اجتماعی و اقتصادی** را فراهم می‌آورد.

ظرفیت‌های پارادایم حقوق بشر اسلامی در مدیریت بحران‌های چندگانه:

- **در بُعد زیست‌محیطی (مسئولیت امانت)**: این چارچوب، بحران محیط زیست را از یک «مسئله فنی مدیریت منابع» به یک «**مسئله اخلاقی مسئولیت‌پذیری**» تبدیل می‌کند. طبیعت نه یک کالا (Commodity) است و نه صرفاً یک منبع بی‌پایان، بلکه یک «امانت مقدس» است که انسان در قبال آن به خدا پاسخگو ست. این دیدگاه، توجیه‌پذیری اخلاقی را برای اعمال محدودیت‌های سخت‌گیرانه بر آلودگی و استخراج منابع فراهم می‌آورد.

- **در بُعد اجتماعی (محوریت عدالت):** بر خلاف مدل‌های تو سعه که عدالت را پس از د ستیابی به ر شد اقت صادی به‌عنوان یک «توزیع مجدد» (Redistribution) ممکن می‌دانند، حقوق بشر اسلامی، **عدالت را پیش شرط تو سعه** می‌داند. مفاهیمی چون حق حیات، حق دسـترسـی به مسـکن، بهداشـت و آموزش، حقوقی بنیادی و غیرقابل سـلب هسـتند که باید قبل از هرگونه تمرکز سـرمایه‌ای محقق شـوند. این رویکرد، نابرابری‌های سـاختاری را از ریشـه هدف قرار می‌دهد و **همب ستگی اجتماعی** (Cohesion Social) را به‌عنوان قوی‌ترین عامل درونی بقای جوامع تضمین می‌کند.
- **در بُعد فرهنگی و هویتی (تو سعه متعالی):** تو سعه پایدار باید به **تو سعه انسانی متعالی** منجر شود. این بدان معنا ست که رشد ابزارهای مادی نباید به قیمت انحطاط اخلاقی یا از دست رفتن میراث فرهنگی تمام شود. حقوق بشر اسلامی با تأکید بر جایگاه والای انسـان در نظام هسـتی، هدفی فراتر از ارضـای نیازهای مادی تعریف می‌کند که به **معنابخ شی به زندگی** می‌انجامد.

۶. مدل‌سازی نهایی و چشم‌انداز آتی:

نتیجه‌گیری نهایی ما، همان **مدل مفهومی** است که در آن، **"حقوق بشر اسلامی**IBHR نه یک عامل بیرونی، بلکه **کانون** و **موتور محرکه** اصلی زنجیره توسعه پایدار است:

SDP=f(IBHR,Social Cohesion,Ecological Stewardship)

این مدل نشـان می‌دهد که تنها زمانی توسـعه پایدار محقق می‌شـود که اصـول بنیادین حقوق بشـر اسـلامی به‌طور همزمان بر ساختارهای اجتماعی تأثیر گذاشته و نحوه تعامل انسان با محیط زیست را تعریف نماید.

این پژوهش، دروازه‌ای به سـوی یک **جامعه‌شـناسـی عملیاتی توسـعه** گشـوده اسـت. چالش آینده، پیوند دادن این نظریه قدرتمند با واقعیت‌های پیچیده حکمرانی و سـیاسـت‌گذاری در دنیای معاصـر اسـت. تحقق این امر، نیازمند شـجاعت فکری برای بازنگری در مفروضات بنیادین است تا توسعه‌ای که تحقق می‌یابد، نه صرفاً بقای فنی یک سیستم، بلکه **شکوفایی کامل انسانیت** در چارچوب اصول الهی باشد.

محدودیت‌های پژوهش

هرچند این پژوهش چارچوبی نظری قوی برای گذار به توسـعه پایدار مبتنی بر حقوق بشـر اسـلامی ارائه می‌دهد، اما دامنه تحلیل و روش‌شناسی آن با محدودیت‌هایی مواجه است که باید در تفسیر نتایج و تحقیقات آتی لحاظ گردند:

۱. **چالش‌های معرفت‌شناختی** Epistemological Challenges

✓ **مشـکل تعمیم‌پذیری** Generalizabilityو **پراکنده بودن منابع:** مهم‌ترین محدودیت، ماهیت میان‌رشـته‌ای موضـوع اسـت. استخراج یکپارچه از منابع فقهی، کلامی، جامعه‌شناختی و اقتصادی، نیازمند تسلط بر حوزه‌های دانشی متعددی است. در نتیجه،

هرگونه تعمیم نتایج باید با احتیاط صورت پذیرد، زیرا تفسیر یک حکم فقهی در بستر جامعه‌شناسی ممکن است در حوزه‌های دیگر، نیازمند تعدیل باشد.

- ✓ **شکاف ترجمه مفهومی** Conceptual Translation Gapیکی از چالش‌های اساسی، ترجمه دقیق مفاهیم بنیادین اسلامی (مانند *عدل*، *احسان*، *استخلاف*) به اصطلاحات علمی مدرن (مانند *برابری توزیعی*، *توسعه ظرفیت‌ها*) است. این فاصله زبانی و مفهومی می‌تواند منجر به سوءتفاهم یا تقلیل‌گرایی شود؛ یعنی چارچوب اسلامی را به یک نسخه تعدیل‌شده از نظریه‌های توسعه غربی تقلیل دهد، در حالی که ظرفیت انقلابی آن نادیده گرفته شود.

۲.چالش‌های روش‌شناختی و عملیاتی‌سازی Methodological Constraints

- ✓ **مسئله مشروعیت‌بخشی تجربی** :Empirical Legitimation این پژوهش عمدتاً بر مبانی نظری و تحلیلی استوار است. محدودیت عمده آن در عدم وجود داده‌های میدانیِ کافی است که بتواند به‌طور کمی اثربخشی یک سیاست مبتنی بر حقوق بشر اسلامی را در یک جامعه مشخص بسنجد. عملیاتی‌سازی *حقوق بنیادین* در قالب متغیرهای قابل اندازه‌گیری، نیازمند پژوهش‌های میدانی گسترده‌ای است که فراتر از دامنه این مقاله بوده است.
- ✓ **محدودیت دامنه تحلیل** :Scope Limitation این تحقیق به دلیل تمرکز بر مبانی حقوق بشر اسلامی، کمتر به جزئیات حکمرانی و مکانیسم‌های اجرایی پرداخت. برای مثال، نحوه تعامل این چارچوب با ساختارهای بوروکراتیک کنونی، چالش‌های سیاسی مقاومت در برابر تغییرات رادیکال اقتصادی، و طراحی نهادهای ناظر بر اجرای عدالت، نیازمند پژوهش‌های آتی با رویکرد **سیاست‌گذاری عمومی** Public Policy است.
- ✓ **وابستگی به منابع متنی**: استنادات عمدتاً متکی بر متون کلاسیک و تفاسیر معتبر هستند. پژوهش‌های آتی باید با مشارکت دادن فقه معاصر و نظرات فعالان اجتماعی، به غنای منابع دسترسی پیدا کنند تا از انزوای نظری کاسته شود.

پیشنهادات:

این پژوهش به‌عنوان یک مطالعه نظری–جامعه‌شناختی، مسیرهایی را برای تبدیل چارچوب حقوق بشر اسلامی به سیاست‌های عملیاتی روشن می‌سازد. پیشنهادات زیر در سه سطح نظری، تجربی و کاربردی ارائه می‌گردند:

۱. سطح نظری–روش‌شناختی: تدوین شاخص‌های کمی و مدل‌سازی ساختاری

- **تو سعه شاخص‌های کمی مبتنی بر کرامت**: ضروری است که پژوهش‌های آتی، مفاهیم انتزاعی مانند «عدالت توزیعی اسلامی»، «استخلاف مؤثر» و «کرامت انسانی محقق‌شده» را به شاخص‌های کمی Metricsقابل اندازه‌گیری تبدیل کنند. این شاخص‌ها باید ابزاری برای ارزیابی عملکرد دولت‌ها و نهادها در تحقق پایداری فراهم آورند. پیشنهاد می‌شود از روش‌هایی مانند **تئوری داده‌بنیاد** Grounded Theory برای استخراج اولیه و سپس **تحلیل عاملی تأییدی** CFA برای اعتبارسنجی نهایی استفاده شود.

- ✓ **مدل‌ســازی معادلات ســاختاری** :SEM با توجه به پیچیدگی روابط علی و معلولی میان متغیرهای اســلامی (مانند ایمان، تقوا) و متغیرهای تو سعه پایدار (مانند کیفیت محیط زیست یا نابرابری اقتصادی)، تو صیه می شود با ا ستفاده از داده‌های پیمای شی، یک مدل جامع **معادلات ساختاری** SEM طراحی و آزمون شود. این مدل می‌تواند به صورت دقیق‌تر، م سیر تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم اصول حقوق بشر اسلامی بر ابعاد سه‌گانه پایداری را مشخص کند.

۲. سطح تجربی: مطالعات موردی و تحلیل محتوای سیاست‌ها

- **مطالعه موردی تطبیقی بر نهادهای اجتماعی**: انجام مطالعات میدانی عمیق (کیفی) بر نهادهایی که به‌طور سنتی در جوامع اســلامی بر همبســتگی اجتماعی تأکید دارند (مانند نهادهای خیریه دینی، اوقاف و امور خیریه، یا ســاختارهای زکات و خمس) ضروری ا ست. پژوهش باید به این پر سش پا سخ دهد که این نهادها چگونه می‌توانند در فرآیند تو سعه پایدار، به‌جای نقش صرفاً حمایتی، نقش **تنظیم‌گر ساختاری** را ایفا کنند و شکاف‌های ناشی از تمرکز ثروت را ترمیم سازند.
- **تحلیل محتوای سیا ست‌گذاری کلان**: ضرورت دارد تا برنامه‌های تو سعه پنج ساله و ا سناد بالاد ستی کشورهایی که بر مبانی اســلامی تأکید دارند، از منظر انطباق یا عدم انطباق با **"خیر عمومی اســلامی"** مورد واکاوی قرار گیرند. این تحلیل باید نشــان دهد که آیا مؤلفه‌های ارزش‌محور (مانند حفظ منابع آیندگان) به‌درســتی در معادلات اقتصــادی کلان گنجانده شده‌اند یا خیر.

۳. سطح کاربردی: نقش آموزش و کنشگری مدنی

- **ادغام جامعه شنا سی دین و کنش جمعی در آموزش**: برنامه‌های آموز شی، به‌ویژه در سطوح دانشگاهی، باید از تمرکز صــرف بر «فقه فردی» فراتر رفته و بر ظرفیت‌های **جامعه شنا سی دین** در ســازماندهی کنش جمعی برای اهداف پایدار تأکید کنند. آموزش شهروندان درباره حقوق و م سئولیت‌های خود در قبال پایداری، باید بر پایه مبانی دینی عمیق ا ستوار باشد تا پایداری تبدیل به یک الزام درونی شود، نه یک اجبار بیرونی.

فهرست منابع؛

۱. ایمانی جاجرمی، ح. (۱۳۹۷). «مبانی کلامی و فقهی عدالت در توسعه پایدار». مجله پژوهش‌های فقهی و حقوقی، ۱۲(۳)، ۲۲۱–۲۴۰.
۲. بهشتی، م. (۱۳۹۹). «بازنگری مفاهیم کار و اشتغال در اقتصاد اسلامی». فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۲۰(۷۹)، ۴۵–۶۲.
۳. پیروزمند، م. (۱۳۹۱). «بررسی انتقادی نظریه‌های مدرن توسعه از منظر اسلامی». فصلنامه پژوهش‌های فلسفی–کلامی، ۱۴(۳)، ۱۱۲–۱۳۵.
۴. حاج‌منجزی، پ. (۱۳۹۶). «تحلیل تطبیقی مفاهیم کرامت انسانی در اسناد غربی و اسلامی». فصلنامه مطالعات حقوق بشر، ۲۸(۱)، ۷۵–۹۵.
۵. خسروپناه، د. (۱۳۹۴). فلسفه دین و انسان‌شناسی اسلامی. قم: انتشارات اندیشگاه ادیان.
۶. دانایی‌فرد، ح.، و خلیلی، ف. (۱۴۰۰). کاربرد مدل‌سازی معادلات ساختاری **SEM**در پژوهش‌های علوم انسانی». مجله روش‌شناسی علوم اجتماعی، ۲۵(۹۸)، ۲۰۳–۲۲۵.
۷. رحیمی، ن. (۱۳۹۸). «حقوق محیط زیست در فقه شیعه: چارچوبی برای پایداری زیست‌بوم». مجله مطالعات فقهی معاصر، ۵(۱۷)، ۱۶–۳۵.
۸. سجادی، ع. (۱۳۹۰). «نسبت دین و توسعه: بررسی انتقادی رویکردهای سکولار». فصلنامه علمی–پژوهشی جامعه‌شناسی ایران، ۱۲(۴)، ۱–۲۵.
۹. شریعتی، ع. (۱۳۸۸). بازشناسی هویت دینی ایران معاصر. تهران: نشر فرزان.
۱۰. طباطبایی، س. م. ف. (۱۳۸۵). مبانی نظری حقوق بشر اسلامی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۱. عمید زنجانی، ع. (۱۳۸۱). حقوق بشر از دیدگاه اسلام. تهران: نشر دانشگاه تهران.
۱۲. غفاری، س. (۱۳۹۹). «بررسی تطبیقی عدالت توزیعی در توسعه پایدار غربی و خیر عمومی اسلامی». فصلنامه حقوق اسلامی، ۱۷(۶۵)، ۹۰–۱۱۰.
۱۳. فیرحی، ج. (۱۳۹۵). فقه و مبانی دولت اسلامی. تهران: نشر نی.
۱۴. کریمی، م. (۱۳۹۳). «مفهوم خلافت و مسئولیت امانت‌داری در نظام اخلاقی–اجتماعی اسلام». مجله مطالعات اسلامی، ۳۳(۲)، ۸۸–۱۰۵.
۱۵. مجتهدی، م. (۱۳۸۹). فلسفه توسعه: درآمدی بر اندیشه‌های انتقادی. تهران: نشر حکمت.
۱۶. محمدی، س. (۱۳۹۸). جامعه‌شناسی دین و تحول اجتماعی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۷. مصلحی، ح. (۱۳۹۷). «مبانی نظری مدل مفهومی توسعه مبتنی بر عبودیت». دوفصلنامه مطالعات دینی–اجتماعی، ۱۰(۲۰)، ۲۲–۴۴.
۱۸. معین‌الدین، ف. (۱۳۹۶). «رویکرد جامعه‌شناختی به نهاد زکات به عنوان مکانیسم پایداری اجتماعی». فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۸(۳)، ۱۲۱–۱۴۰.
۱۹. موسویان، س. ه. (۱۳۹۵). «جامعه‌شناسی نهادهای دینی و نقش آن‌ها در حکمرانی پایدار». فصلنامه جامعه‌شناسی نظری، ۱۴(۴)، ۱۱۰–۱۳۵.
۲۰. مهدی‌پور، ز. (۱۳۹۹). «شاخص‌گذاری پایداری بر مبنای مفاهیم امانت‌داری زیست‌محیطی در فقه». دوفصلنامه محیط زیست و توسعه پایدار، ۷(۱)، ۵۵–۷۸.
۲۱. مهدی‌پور، ز. (۱۳۹۹). «شاخص‌گذاری پایداری بر مبنای مفاهیم امانت‌داری زیست‌محیطی در فقه». دوفصلنامه محیط زیست و توسعه پایدار، ۷(۱)، ۵۵–۷۸.
۲۲. نراقی، ا. (۱۳۸۰). معراج السعادة. تصحیح احمد ترجانی‌زاده. تهران: انتشارات سخن.
۲۳. هدایتی، ر. (۱۳۹۴). «اولویت‌بندی توسعه بر اساس اولویت‌های شریعت: یک مطالعه مفهومی». مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۱۱(۲)، ۷–۲۸.
۲۴. یزدان‌پناه، ع. (۱۳۹۳). اصول و مبانی انسان‌شناسی از منظر اسلام. قم: نشر ادیان.
۲۵. یوسفی، ک. (۱۳۹۸). «نقش آموزش مبتنی بر کنش جمعی در نهادینه‌سازی توسعه پایدار». مجله جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ۷(۱)، ۴۰–۶۰.

1. Baker, J. (2019). The Anthropocene and the Crisis of Western Development. Cambridge University Press.
2. Escobar, A. (1995). Encountering development: The making and unmaking of the Third World. Princeton University Press.
3. Giddens, A. (1990). The Consequences of Modernity. Stanford University Press.
4. Kabeer, N. (2005). Conflicts over credit: Re-evaluating the meaning of “empowerment” in development programs. World Development, 33(1), 50–72.
5. Sachs, J. D. (2015). The Age of Sustainable Development. Columbia University Press.
6. Sen, A. (2000). Development, poverty and the rest of us. Oxford: Oxford University Press.
7. UNDP. (2020). Human Development Report 2020: The Next Frontier: Human Development and the Anthropocene. New York: United Nations Development Programme.
8. Weber, M. (1978). Economy and Society: An Outline of Interpretive Sociology. University of California Press.

9. World Bank. (2018). World Development Report 2018: Learning to Realize Education's Promise. Washington, DC: World Bank Publications.
10. Ziai, A. (2011). The concept of 'sustainability' in different cultural contexts: A comparison between Western and Islamic perspectives. International Journal of Social Ecology and Sustainable Development, 4(2), 55–75.
11. Biers eke. Thomas, j,state sovereignty and territory hand book of international relations, edited by: Bull (2002) the anarchical society. A study of order in the world politics. 3rd edition New York: Columbia University
12. Camelleri, Joseph and Jim Falk (1992). The end of sovereignty, Eduard Elgar, London.
13. David A. smith, 2001. " Sovereignty' 'Foreign policy. (122)January- February. 20-26
14. Donnelly, j, (2004). state and human rights. Human rights and human welfare, working paper no 21(23 June).